

کتاب "رساله‌ای در باب مدارا و بردباری"

اندیشه‌های ولتر در باب بردباری و مدارای مذهبی

(مترجم: احسان دستغیب)

(از زبان فرانسه به فارسی)

انتشارات مهر اندیش

حوزه کتاب: فلسفه و حقوق، الهیات، تاریخ، علوم اجتماعی-سیاسی

قرن هجدهم میلادی در اروپا، هم از منظر تاریخی و هم ادبی دوره‌ی زمانی پربار و غنی‌ای است. در واقع این برهه‌ی زمانی در زمره‌ی قرون روشنگری قلمداد می‌شود که در آن شاهد توسعه و بسط مکاتب فلسفی نوینی می‌باشیم. اندیشمندانی چون ژان ژک روسو، مونتسکیو، دیدرو و ولتر را می‌توان از سردمداران این مکاتب فلسفی در اروپا، خصوصاً در فرانسه دانست. همچنین این برهه‌ی تاریخی در فرانسه، دوران گذار پرتلاطمی است که شاهد تغییرات گسترده‌ی سیاسی و اجتماعی است که از مرگ لویی چهاردهم تا بروز انقلاب فرانسه و ظهور ناپلئون را شامل می‌شود.

فیلسوفان و اندیشمندان عصر روشنگری تفکرات و اندیشه‌های اجتماعی خود را بر اساس منشی انتقادآمیز و خردمندانه پایه‌ریزی کردند. آن‌ها شرایط ناسالم جامعه را زیر سوال برده و سیاست‌های حاکمیت و طبقه‌ی روحانیون را مورد نقد قرار داده و بر آن می‌تاختند. همچنین آن‌ها در پیگیری اهدافی کلان، که در نظرشان برای پیشرفت و توسعه‌ی پایدار کشور صحیح و دقیق بود به خود تردید راه نمی‌دادند و در نظر داشتند تا به جهان 'سبک نوینی از زندگی که بر محوریت سعادت، رفاه و امنیت اجتماعی استوار بوده را ارائه نمایند.

رساله‌ای در باب مدارا و بردباری بر همین مبنا توسط ولتر به نگارش درآمده است و آن را می‌توان از جمله متون بنیادی دوران خود تلقی کرد. در این اثر، نویسنده به تقبیح سوءاستفاده‌های مرسوم و نهادینه شده توسط حاکمیت سیاسی و خصوصاً مذهبی پرداخته و رویداد قضایی معاصر زمان خود، که همان پرونده‌ی اعدام ژان کلاس است را مبنا و بستری برای آغاز اثر مکتوب خود بیان می‌دارد. نویسنده در این اثر در تلاش است که اهداف چندوجهی و چندگانه خویشان را به جامعه انتقال دهد که از جمله‌ی آنها دعوت به بردباری و مدارا، تقبیح و رسوا کردن افراطی‌گری مذهبی و تحسین و ستایش خردورزی و عقل‌گرایی است.

درباره نویسنده:

فرانسوا ماری اروئه معروف به ولتر، (۱۶۹۴-۱۷۷۸)، شاعر، نویسنده و فیلسوف فرانسوی عصر روشنگری در قرن هجدهم میلادی است.

ولتر از حامیان اصلاحات اجتماعی و آزادی‌های مدنی و مذهبی و تجارت آزاد در دوره‌ای است که تیغ سانسور و اختناق، جامعه‌ی فرانسه را درنوردیده است. او نویسنده‌ای است جامع‌نگر که آثار ادبی غنی و متنوعی از خود به جا گذاشته است. بسیاری از آثار و رمان‌های او به سبکی مباحثه برانگیز و جدل‌آمیز نگاشته شده است. در فرانسه از وی به عنوان متفکری دلیر که در دفاع از حقوق مدنی، آزادی بیان و اندیشه، پیوسته کوشیده و به تقبیح و انتقاد از بی‌عدالتی‌ها و جو نفاق و تزویز در نظام سیاسی قبلی فرانسه پرداخته یاد می‌کنند. ضمن اینکه ولتر پیوسته منتقد شرایط عدم توازن قدرت و مالیات بین طبقه‌ی اول جامعه (روحانیون)، طبقه‌ی دوم (اشرافیان) و طبقه‌ی سوم (شامل طبقه‌ی متوسط و عوام که عمده‌ی مالیات‌ها را بردوش می‌کشیدند) در زمان خود بوده است.

درباره‌ی کتاب [و خلاصه‌ای از کلیت آن]

رساله‌ای در باب مدارا و بردباری از جمله نگارش‌های مطرح قرن هجدهم محسوب می‌شود، از این رو که علاوه بر مباحث مربوط به دستگاه عدالت و قضا در دوران خود، تعلق و پیوند آن با جریان فلسفی عصر روشنگری نیز بسیار حائز اهمیت است. کتاب با روایت داستان محکومیت ژان کلئس، بازرگانی پروتستان که قربانی افراطی‌گری مذهبی شده آغاز می‌شود. ولتر کارزاری به دفاع و حمایت از او تشکیل می‌دهد و به دنبال آن با انتقاد و نقد از دستگاه قضایی وقت فرانسه و نقص‌ها و سوءاستفاده‌های فراوانی که در دادگاه‌ها وجود دارد، افراطی‌گری مردم و قوانین و مقررات ضد پروتستانی را مورد بررسی قرار می‌دهد، و بدین طریق به دفاع از اندیشه‌ی خود در باب مدارا و بردباری جهان‌شمول، و روشنگری پیرامون این تفکر و نظریه‌اش می‌پردازد. این مبارزه و چالش ولتر در این اثر با قلمی منحصر به فرد و گاه‌تیز، که هنر استدلال و طنز را با هم در می‌آمیزد همراه شده است. نویسنده با عبور از روایات تاریخی و تفاسیر متون دینی و تشکیک در برخی از آن‌ها، خواننده را دعوت به اندیشیدن، تامل و تفکر نموده و تشویق به مدارا و بردباری مذهبی می‌نماید و جامعه را ترغیب می‌کند که به آزادی هر شهروند احترام بگذارد. او در این کتاب به انتقادی شدید از افراطیون مسیحی، خصوصاً انجمن عیسوی‌ها (ژزوئیت) می‌پردازد و آن‌ها را از جمله سردمداران اختلافات و تفرقه و مناقشه‌ها در جامعه

عصر خود توصیف می‌نماید.

فضای اجتماعی و جغرافیای تاریخی: قضیه و پرونده ژان کالاس

پرونده ژان کالاس پرونده‌ای قضایی است که در آن به صورت سراسیمه حکم به اعدام پدر خانواده‌ای پروتستان داده شده است. فضا و جو حاکم در شهر تولوز آکنده از تعصب و جهل، فریاد می‌زند که ژان کالاس پسر خود را به قتل رسانده است. پسری که به زعم دستگاه قضایی می‌خواسته کاتولیک بشود و از این رو خانواده‌اش رو در روی او قرار گرفته اند. این رویداد که بین سال‌های ۱۷۶۱ تا ۱۷۶۵ در جریان بوده و از جمله قضایای با اهمیت در میان مناقشات بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در دوران معاصر تلقی می‌شود. نویسنده با بررسی فرآیند حقوقی این پرونده در شهر تولوز، غیر مستقیم به فساد موجود در قوه قضاییه تاخته و جهل و خرافات مردم را از جمله علل به انحراف کشیده شدن دستگاه عدالت قلمداد می‌کند و نهایتاً فصل دوم کتاب را با زیر سوال بردن توحش مسیحیان در طول تاریخ به پایان می‌برد.

تاریخچه‌ای از بردباری و مدارا و تعصب و افراطی‌گری

از فصل سوم تا نهم ولتر تلاش دارد تا تصویری و خلاصه‌ای از تاریخ تعصب و سبیت را ترسیم کند و و رویدادهای برجسته‌ای که در آن میل به تعصب، افراط و خشونت دنیا را تحت تاثیر قرار داده گوشزد نماید. او از قتل‌عام‌هایی که به نام دین و آیین رخ داده و در برابر آن از سودمندی‌ها و فوایدی که بردباری و تحمل در طول تاریخ داشته سخن می‌گوید. نویسنده از این منظر به بررسی تاریخ اروپا، آسیا و دنیای جدید که همان آمریکاست می‌پردازد و تا تاریخ روم باستان و یونان قدیم پیش می‌رود. او به این نکته اشاره می‌کند که آنان که اینک منش و دیدگاه روشن‌فکر و اندیشمندانه‌ای دارند متوجه سوءاستفاده‌های کلیسا در طول تاریخ شده‌اند. اندیشه‌ی پیشرو در این فصول را می‌توان به آنچه در فصل ششم کتاب آمده ارتباط داد: «حقوق انسانی به هیچ‌وجه نمی‌تواند بر مبنایی غیر از حقوق طبیعی قرار بگیرد، و اصل اساسی و فراگیر جهانی این دو حقوق این است که: «آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند.» حال با پیروی از این اصل چگونه می‌توان پذیرفت که شخصی به شخصی دیگر بگوید: «آنچه را که من اعتقاد دارم، تو نیز اعتقاد داشته باش، و از اعتقاد خودت دست بردار، وگرنه هلاک خواهی شد.»

بردباری از نگاه کتاب مقدس

بین فصل‌های ۱۰ تا ۱۴، ولتر بر روی تفاسیر انجیلی متمرکز می‌شود و از کتاب مقدس به عنوان منبعی برای موضوع مورد بحث بهره می‌گیرد و از جنبه‌های مختلف به تحلیل آن می‌پردازد. او از متون انجیلی به این نتیجه می‌خواهد برسد که در این کتاب برعکس آنچه بسیاری از پیروانش قلمداد و تفسیر می‌کنند، تشویق به تعصب و عدم مدارا نشده است و معتقد است که پیام مسیح را منحرف کرده‌اند و از اینجا حمله‌ی جانانه‌ای را متوجه مدعیان دین کرده و در فصل‌های ۱۵ تا ۱۹ بر خرافات و انحرافات و تحریف تاریخ به شدت می‌تازد.

به سوی بردباری جهان‌شمول

نهایتاً در فصل‌های ۲۰ تا ۲۴ نویسنده پیشنهاد و توصیه به بسط اندیشه و گسترش تفکر در سطحی جهانی را ارائه می‌کند. او با ذکر چندین مصداق و مثال، به پوچی، بطلان و بیهوده‌گی سبعیت، تعصب و عدم بردباری پرداخته و سردمداران مدعی دین‌داری و طبقه روحانیت انتقاد کرده و بزرگان کلیسا را متهم به قدرت‌طلبی، مال‌اندوزی و ثروت‌طلبی می‌نماید.

ولتر همچنین به انتقاد از مناسک بی‌شمار مذهبی می‌پردازد و آنها را سرچشمه‌ی مناقشه‌ها بین مردم می‌داند و ورای این تقبیح مذهبی، توصیه‌ی اکید و واجب بر ایجاد مدارا و بردباری بین ملت‌ها، نشان می‌دهد که این مناسک مذهبی تا چه اندازه می‌توانند تفرقه‌انگیز بوده و باعث شوند که انسان در پوسته‌ی دین مانده و پیام اصلی و بنیادین مذهب را دریافت ننماید. او دعوت به آزادی در انجام مناسک می‌نماید و محور تفکر خود را براساس خداباوری قرار می‌دهد و عبور از پوسته‌ها را لازم، و هرگونه شکل و شمایلی از خشونت، چه در عرصه‌ی مذهبی و چه در عرصه‌ی اجتماعی را تقبیح می‌کند. و بالاخره نویسنده معتقد است که مسئولیت‌ها ابتدا نزد خود انسان است و عنوان می‌کند: خداوند به مردم قابلیت‌های بسیاری داده است اما آنها از این قابلیت‌ها به بدی استفاده می‌کنند." از نظر او این بر عهده‌ی خود مردم است که روابط بین خود را اصلاح کنند و بهینه سازند و با کمک عقل و خرد، مهرورزی و بردباری، در عرصه جامعه و مذهب به صلح برسند.

این کتاب قسمتی از نهضت و پرده‌ای از مبارزه‌ای است که در قرن هجدهم، فیلسوفان برای اشاعه‌ی بردباری و سعه صدر به پیش برده‌اند. این مبارزه با هدف ارتقای سطح اندیشه‌ی انسان در برابر ظلمت و جهل و بسط تفکری که مدارا و سعه‌ی صدر را بر حذف و خشونت ارجح می‌داند شکل گرفته تا نیز از خلال آن، آرزوی نویسنده برای جبران عقب افتادگی در زمینه روشنفکری و اخلاق، و بالطبع رشد سطح

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورش حاصل شود.

نکاتی قابل توجه:

با اینکه به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی و غربی از دوران گذاری که این کتاب و مباحث مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته در آن تا حدود زیادی عبور کرده‌اند، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که در همین چند سال گذشته این کتاب ولتر در خود فرانسه بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ یکصد هزار نسخه فروش داشته است. در آلمان نیز در همین ماه میلادی پیش رو در سال ۲۰۲۰ ترجمه دیگری از این کتاب به زبان آلمانی منتشر خواهد شد. این بیانگر اهمیت و توجه جدی و مجدد جوامع غربی و نیاز مبرم‌شان به مقولات و مباحث مطرح شده در این کتاب در باب مدارا، تسامح و تساهل و تنش‌زدایی در جوامع‌شان می‌باشد. به همین علت هم بود که مترجم کتاب با بررسی و دریافت این نکته که مباحث مطرح شده توسط نویسنده پیوسته و مدام در جامعه مورد بحث و نیاز است و اهمیتی بنیادین برای توسعه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد قدم به ترجمه این اثر گذاشت. در واقع با نگاهی به آثار ترجمه‌شده ادبیات فرانسه به زبان فارسی جای خالی این اثر که در باب مدارا و بردباری نگاریده شده است، و همچنان به‌عنوان موضوعی که در دوران امروز ما اهمیت بی‌بدیل خود را حفظ نموده، احساس می‌شد.

درباره مترجم

احسان دستغیب، متولد سال ۱۳۵۹ در شهر شیراز است. دوران کودکی و جوانی و بخشی از تحصیلات خود در حوزه اقتصادی سیاسی و روابط بین الملل را علاوه بر ایران در اروپای غربی گذرانیده است. جا به جایی‌های متعدد و پر تلاطم، در وی روحی اکتشاف‌گر و پُرس‌ان‌پدید آورد و همین امر باعث شد تا بعدها بنا بر علاقه شخصی خود و اغنای روح جستجوگرش به سفرهای متعددی بپردازد و توشه‌ی غنی و پرمایه از تعامل با مردمانی از فرهنگهای مختلف برای خود فراهم آورد. تقسیم سیر زندگی او به دو بخش حضور در جهان غرب و آمیختگی آن با، نظم، قانون و پرسشگری و زندگی در جهان شرق و تنیدگی اش با سلوک و اشراق و معنویت، منجر به شکل‌گیری دیدگاهی آمیخته با جهان بینی‌ای جامع‌تر شده است.

حوزه‌ی تاریخ، علوم سیاسی، فلسفه، ادبیات و روابط بین‌الملل، پیوسته جزء وادی‌های مورد علاقه‌ی این مترجم برای مطالعه و تحقیق بوده است. وی در این زمینه‌ها مقالاتی را هم سابقاً در نشریات داخلی و خارجی منتشر کرده است. انتخاب کتاب پیش رو و ترجمه‌ی آن که ارتباط تنگاتنگی با حوزه‌های مذکور دارد، دریچه‌ای دیگر در نوع نگریستن به جهان و تعامل با آن و نیز بهینه‌سازی مسیر

نیل به توسعه پایدار و تمام عیار می باشد.